

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق
۰۷ مارچ ۲۰۲۳



محمد محق

هویت ملی و نیاز به صحبت همدلانه

با سیطره طالبان بر افغانستان شکاف‌های جدیدی در این کشور دهن باز کرده و منازعات بیشتری از آن سر برآورده است، از جمله مشاجره بر سر هویت ملی که در یک و نیم سال اخیر داغتر از قبل شده است. هویت ملی بخشی از روند ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم است که در اروپا و امریکا از قرن هیجدهم آغاز شد، در قرن نوزدهم به اوج خود رسید، در قرن بیستم عوارض آن آشکار گردید و در قرن بیست و یکم در معرض نقدهای جدی قرار گرفت، به ویژه نسخه‌های افراطی آن که به ترویج تعصبات ملی و شکاف میان انسان‌ها می‌انجامد و گاهی به ورطه نفرت‌پراکنی و نژادپرستی فرو می‌گذرد. اما هویت ملی همیشه همسان با ناسیونالیسم نیست، بلکه گاهی می‌تواند تنها بار سیاسی-حقوقی داشته باشد که به مفاد مندرج در پیمان صلح و ستفالی ارجاع می‌دهد و آن به رسمیت شناختن مرزهای ملی به عنوان واحدی سیاسی که دارای حاکمیت ملی است و برای شهروندان یک سرزمین، بدون در نظر داشت زبان، تبار و نژاد، هویت واحد سیاسی می‌آفریند.

ناسیونالیسم به مثابه گرایشی سیاسی-اجتماعی از کشورهای غربی آغاز یافت و همگام با مفاهیمی مانند قرارداد اجتماعی، حقوق شهروندی، و دموکراسی به بالیدن رسید، اما نسخه‌ای که در بسیاری از کشورهای شرقی ترویج گردید فاقد ابعاد یاد شده بود و در نتیجه ملی‌گرایی نارسا و معیوبی را پایه نهاد که سبب تشنج‌های درونی در این جوامع شد، و به جای متحد ساختن مردم بر اساس یک هویت، آنان را گرفتار چند پارچگی کرد.

اکنون که افغانستان در یکی دیگر از دست‌اندازهای تاریخی خود گرفتار آمده است، بحث از چیستی هویت ملی و سازه‌های آن از نو مورد کنکاش قرار گرفته است. پرداختن به مبحث هویت ملی مهم است، اما اگر با روحیه برتری‌جوئی، انتقام‌جوئی و اسارت در خصومت‌های گذشته همراه باشد بر ژرفای شکاف‌ها خواهد افزود، کینه‌ها را چند

برابر خواهد کرد، زمینه زد و خوردهای خونین بیشتری را فراهم خواهد آورد و راه را بر فاجعه‌های کلان‌تری خواهد گشود.

اگر بخواهیم راهی به اجماع میان نیروهای سیاسی و اجتماعی و بستری استوار برای همگرایی ملی فراهم آوریم باید صحبت‌ها در این باب همدلانه باشد تا زمینه تفاهم و توافق را مساعد گرداند. در صحبت همدلانه اصل بر درک طرف مقابل و فهم موضع اوست، همراه با تلاش برای رفع سوء تفاهم، تا نقاط مشترک از نقاط محل اختلاف باز شناخته شود، و آن گاه از نقاط مشترک نقطه عزیمتی ساخته شود برای ادامه صحبت تا رسیدن به توافق همگانی که پایه قرارداد اجتماعی است.

نقاط مشترک می‌تواند درک این واقعیت باشد که همه طرف‌ها در حوادثی که رخ داده است آسیب دیده و قربانی داده‌اند، و بخشی از این حوادث به دخالت عوامل خارجی ربط داشته است از زمان بریتانیای کبیر و روسیه تزاری تا امروز، و این که دوام وضعیت کنونی به زیان همه طرف‌هاست و این که رسیدن به زندگی شهروندمحور و حاکمیت مبتنی بر اراده مردم تحولی است که سودش به همه خواهد رسید بی‌هیچ استثنائی. با چنین نقطه عزیمتی می‌توان صحبت کرد که چارچوب هویت ملی چگونه باشد، مبنای رسیدن به اجماع چیست، چگونه می‌توان صفحه کاملاً جدیدی در تاریخ این مرز و بوم گشود و به نزاعی درازدامن نقطه پایان گذاشت. باید صحبت همدلانه را تمرین کنیم و به ترویج و نهادینه شدن آن همت بگماریم و نگذاریم میدان به ماجراجویان، فرصت‌طلبان، آتش‌افروزان و خصومت برپاکنان و نهاده شود.